

تأثیرات تربیتی حضور فیزیکی و روحی مادر کنار فرزندان

دنیا پورمند^۱

چکیده

تأثیرات تربیتی حضور فیزیکی و روحی مادر در کنار فرزندان، از اهمیت بالایی برخوردار است. روابط مادر و فرزندان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روابط انسانی، اثرات چشم‌گیری بر رشد و توسعه روانی، اجتماعی و اخلاقی فرزندان دارد. زیرا حضور فعال و پشتیبانی مادر، به شکل‌دهی بهتر شخصیت و زندگی اجتماعی و حرفه‌ای فرزندان کمک می‌کند و ارتباط مادر فرزند را بهبود می‌بخشد. اما مشاهد می‌شود در جوامعی که بیشتر بانوان شاغل بوده و حضور کمتر در کنار فرزندان دارند و باعث کاهش نظارت مادر بر اعمال و رفتارهای تربیتی کودکان شده و کودکان نیز گرفتار اضطراب و احساس نا امنی ناشی از دوری از مادر شده‌اند. بنابراین برای کاهش آسیب‌های ناشی از این پدیده ضروری است که به تبیین تأثیرات تربیتی حضور فیزیکی و روحی مادر در کنار فرزندان، پرداخته شود. بر همین اساس نویسندگان این پژوهش با توجه به اهمیت حضور مادر در زندگی فرزندان و تأثیرات آن بر رشد و تعالی ایشان، با بررسی عمیق این موضوع، نکاتی را برای بهبود روابط والدین با فرزندان‌شان ارائه نمایند، تا والدین بتوانند با انتخاب شیوه‌های مناسب، بهترین تجربه تربیتی را برای فرزندان خویش فراهم کنند. بر اساس یافته‌های این پژوهش که به روش مطالعه کتابخانه‌ای و توصیفی سامان یافته است، حضور فیزیکی مادر کنار فرزندان نقش بسیاری در تربیت

آنان داشته و موجب ایجاد احساس آرامش و امنیت در فرزندان می شود و در رشد و شکوفایی شان اثرگذار است.

واژگان کلیدی: مادر، حضور فیزیکی، حضور روحی، تربیت فرزند.

مقدمه

محیط خانواده و شرایط تربیتی آن از جمله مسائل مهم و سرنوشت سازی است که نمی توان از آن غفلت نمود. خانواده، آموزنده بسیاری از ملکات و فضایل و موجد بسیاری از عادات و رفتارهای فرزند است که جریان رشد و سیر تعالی کودک را مشخص می کند و بستر سازندگی فرزند را از هر جهت فراهم می آورد. خانواده هم می تواند پدیدآورنده و مستقرکننده انحرافات و جرائم اطفال باشد و هم می تواند در جلوگیری از بروز آنها اثری قابل توجه بگذارد.

عامل انسجام و استحکام خانواده، مادر است. اگر در خانواده ای مادر، مدیری کارآمد و شایسته باشد، خانواده بمسیر کمال و رشد و تعالی را خواهد پیمود و بالعکس اگر مادر، شخصی نالایق و یا بی قیدوبندی باشد، بستر انحطاط خانواده فراهم می شود. اگر مادر کنار فرزندان حضور داشته باشد و طی انجام کارها آنها را یاری کند، بهتر می تواند زمینه موفقیت فرزندان را فراهم نماید.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی آثار تربیتی حضور مادر کنار فرزندان و بررسی دیگر جنبه های اثرگذاری حضور مادر می باشد. نویسندگان در این پژوهش کوشیده اند به این پرسش ها پاسخ دهند: چگونه حضور مادر کنار فرزند در تربیت وی مؤثر می باشد؟ اهمیت حضور مادر در زندگی فرزندان چیست؟ حضور مادر بر روابط اجتماعی فرزندان چه تأثیراتی می گذارد؟ بر همین اساس و برای پاسخ به این پرسش ها، ابتدا به تعریف تربیت، اهمیت و جایگاه آن و عوامل مؤثر در تربیت پرداخته شده است. پس از آن مادر و جایگاه و اهمیت آن در تربیت تشریح شده و وظیفه و

مسئولیت مادری، آشکارا و بدون ابهام تبیین گردیده است.

تاکنون درباره نقش مادر در تربیت فرزند پژوهش‌های متعددی نگاشته شده است که از جمله آنها میتوان به کتاب *نقش مادر در تربیت فرزند* نوشته فریبا صداقت‌فر و کتاب *نقش مادران در تربیت فرزندان از دوران جنینی تا بلوغ*، اثر محمود حسین‌پور علویه اشاره کرد. با این حال در بیشتر این آثار مباحث تربیت فرزند و تشویق و تنبیه، به‌طور تلفیقی بررسی شده است و به‌طور مستقل از نقش و جایگاه ویژه حضور فیزیکی زن در تربیت فرزند بحث نشده است، بنابراین پژوهش در این موضوع ضروری مینماید.

در بخش بعدی مقاله به حضور مادر در تربیت فرزند و جنبه‌های مختلف حضور او پرداخته شده است. جنبه نخست حضور مادر، برآوردن نیاز عاطفی-امنیتی فرزند، جنبه دوم برآوردن نیازهای فرزند و سازندگی او و جنبه سوم اصلاح فرزند می‌باشد.

۱. مفهوم شناسی تربیت

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی تربیت

واژه تربیت از ریشه (ربو) مشتق شده است و به معنای پرورش دادن، پروراندن، اوج گرفتن، افزودن و رشد و نمو دادن آمده است. تربیت در اصطلاح با عبارات مختلفی تعریف شده است که برخی از مهمترین آنها عبارت است از: پرورش و به فعلیت در آوردن استعدادهای درونی و شکوفا کردن و به ثمر رساندن آنهاست، البته این مهم باید با میل و رغبت بوده و به پدیدار شدن شرایط مطلوب منجر گردد. (رحیمی، ۱۳۸۰، ص ۵۲)

در تعریف دیگری آمده است:

تربیت یعنی به فعلیت رسانیدن نیروهای بالقوه که نتیجه‌اش تغییر رفتار فرد اعم از ظاهری و باطنی باشد. در حقیقت با تربیت، آنچه را که نمی‌فهمیم یاد گرفته و قوه‌ها و استعدادهای خوبی را که در نهاد ما نهفته است به بهترین وجهی به صورت بالفعل درمی‌آوریم.

با ملاحظه این تعاریف و دیگر تعاریفی که در زمینه تربیت آمده است، می‌توان

چنین جمع‌بندی نمود:

تربیت یک عمل عمدی و آگاهانه است؛

تربیت هدف دارد؛

تربیت دارای نقشه و طرح است؛

تربیت نوعی تلاش برای تکمیل و تکامل است؛

تربیت نوعی انتقال میراث است؛

تربیت کاری مداوم و بی‌پایان است.

۱-۲. هدف از تربیت

متخصصان معتقد هستند هدف از تربیت، سازندگی و آفرینندگی پیوسته و تلاش برای تعدیل و تعادل میان نیازها و تمایلات است، بنابراین تربیت، زمینه رشد فرد را از هر سو چنان فراهم می‌کند که به جایگاه مطلوب برسد.

۲. عوامل مؤثر در تربیت

۱-۲. والدین

والدین نخستین کسانی هستند که کودک و با ایشان در تماس است از آن‌ها الگو می‌گیرد. بنابراین والدین، کلیدی‌ترین عناصر تربیت هستند و عالی‌ترین نقش را در زمینه پرورش و رشد شخصیت فرزند ایفا می‌کنند.

تأثیر عمیق والدین در کودک و شکل‌گیری نقش او از آن جهت است که خانواده، کانون محبت و احترام و در عین حال مرکز اعمال نظم و انضباط است. کودک بر اثر محبت شورانگیزی که در خانواده از پدر و مادر می‌بیند، می‌کوشد هر چه بیشتر خود را با آنها سازگار سازد؛ از این رو خط‌مشی و مقررات ایشان را می‌پذیرد و رفتار اعضای خانواده را تقلید می‌کند.

در اهمیت نقش والدین همین کافی است که از حدود ۹۵ هزار ساعت زندگی کودک تا پایان ۱۱ سالگی، تنها حدود ۵ هزار ساعت آن در مدرسه و قریب همین میزان با کسان و خویشان و باقیمانده آن در خانه سپری می‌شود. مهم‌تر آنکه بخش زیادی از این مدت، فرزند کنار مادر و پدر و در آغوش ایشان است. البته فراموش نباید از یاد برد که سهم و تأثیر مادر در این زمینه به مراتب بیش از پدر است؛ زیرا در ماه‌ها و سال‌های نخست تولد، تنها تکیه‌گاه فرزند، مادر است و و بیشتر اوقات خود را با مادر سپری می‌کند.

۲-۲. اجتماع

اجتماع به ترتیب اهمیت در جامعه ایرانی به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود: برادران و خواهران، پدر بزرگ و مادر بزرگ که به‌طور مستقیم با کودک در تماس هستند و طفل بیشتر با آنها برخورد دارد؛

عمو، عمه، دایی، خاله و فرزندان آنها و همبازی‌های کوچک که در درجه دوم اهمیت قرار دارند. در واقع، بسیاری از رنگ‌پذیری‌های کودک مرهون تماس با این گروه است؛

معلم، مدیر، مستخدم مدرسه، همکلاسی‌ها در مدرسه؛ تماس طفل با این عده در مرحله‌ای است که شخصیت او تکوین یافته است؛

افراد اجتماع از جمله بقال و عطار و کتاب‌فروش و بزاز و غیره که ارتباط کودک با

آن‌ها لحظه‌ای است، اما همین رابطه اندک، قابل چشم‌پوشی نیست؛ زیرا بسیاری از

فسادها و انحراف‌ها از این طریق در کودک رخنه می‌یابد؛

پلیس، پاسبان، مسجدی، روحانی، هیأتی و غیره که برای کودک به‌گونه‌ای جنبه امر به معروف و نهی از منکر دارند و در ویران کردن بنای زندگی یا سازندگی آن نقش مهمی ایفا می‌کنند.

۲-۳. دیگر عوامل

وسایل ارتباط جمعی که به دو دسته جدید و قدیم تقسیم می‌شوند. از وسایل جدید می‌توان رادیو، تلویزیون، فیلم و سینما را نام برد که نقش حیرت‌انگیزی در تحول و تغییر فرد ایفا می‌کنند. سینما و تلویزیون برای کودک دنیای دیگری را به وجود آورده و زندگی او را جهت می‌دهند. براساس تحقیقات انجام شده، بسیاری از جرائم، جنایات و فسادهای کودکان به این دو وسیله مربوط است. از وسایل قدیم نیز می‌توان به کتاب، روزنامه و مجله اشاره کرد که تأثیر آنها در برخی موارد، کمتر از وسایل جدید نیست.

عوامل طبیعی چون آب و هوا، تغذیه، وضعیت جغرافیایی، فصول و غیره شاید در وهله نخست از اعمال انسان‌ها تأثیر بپذیرند، ولی افرادی که دارای فرهنگی ساده بوده و یا دچار تزلزل فرهنگی باشند، تحت تأثیر این عوامل قرار می‌گیرند.

قوانین و مقررات از جمله دیگر عواملی هستند که در نحوه زندگی، طرز تفکر، ایجاد مقاومت و سستی، بیداری یا جمود و خمود فرد اثر گذاشته و بدین ترتیب شخصیت او را می‌سازند. (قائم امیری، ۱۳۷۹، ص ۴۵-۲۹)

۳. مادر و جایگاه و اهمیت او در تربیت

۳-۱. تعریف مادری

مادری، حالتی است که صفات عالی جمال را در پرورش فرزند می‌بیند و در این کار از همه زمینه‌ها و امکانات شخصی گذشت می‌کند و از هرگونه آسایش و لذتی چشم می‌پوشد و در راه رسیدن به هدف حمایت از فرزند، زشت و زیبا را از هم باز نمی‌شناسد.

مادری تنها پذیرش رنج دوران حمل و زادن و به دنیا آوردن کودک نیست. مادری تنها قنடاق کردن و پوشاندن طفل نیست، بلکه پروراندن آن به معنای علمی کلمه است.

اساس کار مادری دست کم از لحظه حمل جنین، آغاز شده و تا پایان دوره اساسی تربیت، ادامه دارد. مادر در این مدت مسئول پرورش جسمی، عقلی، رشد عاطفی و اخلاقی و بالاخره انسان شدن فرزند است. بر این اساس هر کس شایسته شغل مادری نیست و آن که خود را مفتخر به این شغل نمی‌بیند، بهتر است مادر نشود. مادر شدن پذیرش مسئولیتی برابر خدا و جامعه است و مبتنی بر وظایف خود، مورد بازخواست قرار می‌گیرد. از این رو مادر شدن کاری بس دشوار و پیچیده است. (رک: قائمی امیری، ۱۳۷۹، ص ۳۰-۲۶)

۲-۳. رسالت عظیم مادری

زن باید به رسالت عظیم زن و مادر بودن که مرد در آن با او شریک نیست و اختصاص به خود وی دارد، آشنا و آگاه شود. (بانکی پور فرد، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴) زن، رکن و عنصر اصلی خانواده است و اسلام برای نقش وی در خانواده اهمیت بسیار قائل شده است؛ زیرا نسل‌ها در هر جامعه‌ای بواسطه پایبندی به خانواده و تربیت فرزندان در آغوش پر مهر مادر بالنده و رشید خواهند شد.

۳-۳. جایگاه مادر در تربیت از نظر امام خمینی (ره)

بدون شک مادران، مؤثرترین عامل در تربیت کودکان به‌شمار می‌روند. آثار روحی رفتارهایی که در دوران جنینی در مادر به وجود می‌آید، پیش از تولد کودک، در او اثر می‌گذارد. کودک پیش از اینکه به دنیا بیاید در دوران جنینی متأثر از رفتار مادر است.

حضرت امام خمینی (ره) تأثیر مادر را در شخصیت کودکان فوق‌العاده می‌دانند و می‌فرمایند:

دامن مادر، دامن است که انسان باید از آن درست شود؛ یعنی اول مرتبه تربیت بچه است در دامن مادر؛ برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علائقش است و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادر و فرزند نیست. بچه از

مادر بهتر چیز اخذ می‌کند، آن‌قدر که تحت‌تأثیر مادر هستند، تحت‌تأثیر معلم نیستند، تحت‌تأثیر استاد نیستند. از این جهت بچه‌های‌تان را در دامن‌تان تربیت اسلامی و انسانی کنید تا وقتی تحویل می‌دهید شما این بچه‌ها را به دبستان، بچه‌صحیح تحویل دهید.

ایشان معتقد بودند تربیت فرزند از مرد بر نمی‌آید و دقیقاً این کار به زن بستگی دارد، چون عاطفه زن بیشتر است و قوام خانواده نیز باید بر اساس محبت و عاطفه باشد. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به نقل از فاطمه طباطبایی، (www.iranwomen.org)

۳-۴. رفتار و اخلاق عملی مادر

مادر برای تربیت فرزندان باید به آنچه در عمل می‌گوید، پایبند باشد. مادر باید فضایل اخلاقی را در خود پرورش دهد و رفتار صحیح را رعایت کند تا فرزندان از او الگو گیرند. حضرت زهرا (س) با عمل به آنچه می‌فرمودند فرزندان‌شان را با اخلاق و رفتار اسلامی آشنا می‌ساختند و به فرزندان‌شان نصیحت می‌آموختند که خود از شب تا صبح به آن عمل کرده بودند. مسلماً چنین پند و اندرز اثرگذار خواهد بود و تربیت می‌کند. (تقوی، ۱۳۸۷، www.Omenrc.com – copitight 2007 noorportal.net).

۳-۵. اهمیت و نقش ویژه مادر در شخصیت فرزند

مجموعه خصلت‌های روحی و روانی مادر، عاملی مؤثر در تکوین شخصیت کودک است. طینت پاک و الهی مادر بر وجود فرزندان چنان اثر می‌گذارد که زمینه الهی شدن آنها را فراهم می‌سازد.

برتری و شایستگی‌های روحی و روانی حضرت زهرا (س) عاملی مهم در شکل‌گیری شخصیت کودکان بزرگوارشان بود، چنان که تربیت شخصیت عظیمی چون امام حسین (ع) نیز از دامان پاک و عترت الهی زهرا مرصیه ممکن شده است. بنابراین هر مادری که می‌خواهد فرزندان با ایمان و خداشناس داشته باشد، شایسته است ابتدا بر ایمان و تقوای خود بیفزاید تا بتواند فرزندان پاک و خداپرست پرورش

دهد. (تقوی، ۱۳۸۷، www. O menrc com – copitight 2007 noorportal. net).

۴. حضور مادر در برآوردن نیازهای عاطفی - امنیتی فرزند

۴-۱. معنی اصطلاحی حضور مادر در کنار فرزند

به نظر نگارنده مهم‌تر از حضور فیزیکی و جسمی مادر کنار فرزندان، حضور روح و اندیشه اوست بدین معنا که: ۱. مادر متوجه فرزند خود باشد و او را فراموش نکند، حتی هنگامی که کنارش است؛ ۲. مادر در پی علم و آگاهی‌هایی باشد که بتواند فرزندش را از امور مخرب و زیان‌آور از جمله اینترنت، مواد شادی‌آفرین، مواد مخدر و غیره آگاه کند تا فرزندش به انحراف کشیده نشود؛ ۳. مادر بتواند ارتباط صحیح با فرزندش برقرار کند تا جایی که فرزند، او را یکی از بهترین دوستان خود بداند.

حضور مادر کنار فرزند از پنج جنبه بر او اثر می‌گذارد:

از لحاظ عاطفی و محبت که مادر تکیه‌گاه عاطفی فرزند به‌شمار می‌آید؛

از لحاظ امنیتی که مادر تکیه‌گاه امنیتی فرزند است؛

در برآوردن نیازهای کودک؛

از لحاظ سازندگی؛

از لحاظ اصلاح و تربیت کودک.

۴-۲. جنبه عاطفی حضور مادر کنار فرزند

از جنبه عاطفی، حضور مادر کنار فرزندان، تکیه‌گاه عاطفی مهمی برای آنان فراهم خواهد کرد. محبت ورزیدن به کودکان و به‌ویژه از سوی پدر و مادر در دین مبین اسلام بسیار تأکید شده است. به همین مناسبت در ادامه روایاتی را از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در این‌باره نقل می‌کنیم، سپس به اثرات محبت ورزیدن از سوی مادر به فرزندان می‌پردازیم و نتایج آن را بررسی می‌کنیم.

۳-۴. محبت نسبت به فرزند بر اساس روایات ائمه اطهار (علیهم السلام)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «أَحِبُّوا الصَّبِيَانَ وَ ارْحَمُوهُمْ»؛ «کودکان را دوست بدارید و با آنها مهربان باشید» (ری‌شهری، ج ۱۴، ص ۴۷۷).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَاكَ»؛ «خداوند عزوجل به انسان برای محبت شدید به فرزندش رحم می‌کند» (همان).

همچنین آن حضرت می‌فرماید موسی بن عمران (ع) به درگاه خدا عرض کرد کدام اعمال نزد تو برتر است؟ فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا فطرت آنان را بر توحید و یگانگی خود آفریدم و اگر از دنیا بروند با رحمتم آنان را وارد بهشت می‌نمایم.

از امام حسین (ع) از قول پیامبر (ص) نقل شده است که ایشان فرمود: «احبوا الصبیان و ارحمهم و اذا وعدتموهم ففوا لهم فانهم لایرون الا انکم ترزقونهم» (وسائل، ج ۵، ص ۱۲۶)؛ «کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربانی کنید و وقتی به آنها وعده ای می‌دهید حتما به آن وفا کنید زیرا کودکان، شما را رازق خود می‌پندارند.»

۴-۴. مادر و پرورش عاطفی فرزند

تردیدی نیست که بیشتر سهم پرورش عاطفی فرزندان از آن مادر است و اوست که باید در پرتو عواطف ملکوتی خود بذری محبت را درون فرزند خود پیرواند. وجود مادر پاک نهاد، مادری که سرشت پاک و زنانه خود را حفظ کرده و به درد از خود بیگانگی مبتلا نشده است، همچون مشعلی گرم و فروزان است که محیط خانه را گرم و نورانی می‌سازد و فرزندان را از لحظات آغازین زندگی با ارزش‌های عاطفی آشنا می‌سازد. فرزندان آنی که به هر علت از این مهر و عاطفه محروم می‌شوند، انسان‌هایی خودخواه، بی‌عاطفه و خشن بار می‌آیند که فرسنگ‌ها از انسانیت حقیقی فاصله دارند.

مشکلی که امروز در کشورهای غربی وجود دارد، همین کمبودهای عاطفی نسل

جدید است. زن برای اینکه بتواند در انجام وظایف خطیر توفیق یابد، باید از عواطف و مهربانی و احساسات همسر خویش سیراب شود تا بتواند فرزندان را از سرچشمه عواطف خود سیراب سازد. (سادات، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۴۵) هنگامی که کودک از زلال محبت خانواده سیراب شد و عطش محبت و توجه عاطفی اش برطرف گردید، با روانی سالم و آرام و پرنشاط پا به عرصه اجتماع می‌گذارد تا همگان از برکات وجود او بهره‌مند شوند.

۴-۵. نوع محبت مادر

نوع محبتی که کودک می‌طلبد با دیگر افراد تفاوت دارد. محبت به کودک باید دو ویژگی داشته باشد: نخست اینکه بلاشرط باشد، نه به خاطر زیبایی و شیرین زبانی و دوم آنکه سرشار باشد، چنان که کل وجود او را غرق کند.

خوشبختانه این دو ویژگی در محبت مادری وجود دارد. غیرمشروط بودن محبت مادری تا اندازه‌ای است که عده‌ای آن را غریزی دانسته‌اند و سرشار بودنش بدان درجه می‌رسد که سوز و ساز مادر، هدف و غرض اساسی زندگی او را تشکیل می‌دهد. محبت مادر در عین بدون شرط بودن و سرشاری، یک‌طرفه است، تا جایی که ممکن است از سوی فرزند همراه با سردی و بی‌تفاوتی باشد. در عین اینکه کودک مایه رنج و ناراحتی او می‌شود، اما مادر، لذت و ایمانی سرشار از عشق و مهر نسبت به کودک احساس می‌کند. (قائمی امیری، ۱۳۷۹، ص ۹۲)

۴-۶. محبت و صمیمیت میان مادر و فرزند

برقراری پیوند عاطفی و روحی عمیق میان والدین و فرزندان از اهمیت خاصی برخوردار است. این پیوند سبب می‌شود بسیاری از نیازهای روحی فرزندان در محیط خانواده بر آورده شود و از این بابت دچار کمبود نشوند. وجود رابطه صمیمانه میان والدین به‌ویژه مادر و فرزندان، محیط خانه را به پناهگاهی عاطفی و امن برای فرزندان تبدیل می‌کند و سبب می‌شود رازها و مشکلاتشان را پیش از هر کس با مادرشان در

میان بگذارند و از راهنمایی‌های او استفاده کنند. بدین ترتیب مادر به عنوان راهنمایی صمیمی و مشاوره دلسوز و مورد اعتماد می‌تواند نقشی مهم در زندگی فرزندان خود داشته باشد. از این رو بهتر است در هر فرصت ممکن، مادر در جوی صمیمانه با فرزندان خود به گفت‌وگو و شنود بپردازد و به آنها فرصت دهد درباره مسائل مختلف سخن بگویند. گفتگو کردن با فرزندان در زمینه‌های گوناگون، بها دادن به رأی و نظر آنها، با آنان به گردش و تفریح و بازی پرداختن، شوخی و ورزش با آنها، به برقراری روابط صمیمانه و بی‌تکلف کمک می‌کند. (قائمی امیری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴-۹۱)

۴-۷. مادر و تأمین امنیت فرزند

امنیت طفل و نقش مادر در تأمین آن را می‌توان در پنج مورد زیر خلاصه نمود:
امنیت عاطفی: کودک باید خاطر جمع باشد که پدر و مادرش او را دوست دارند، حتی اگر دیگران او را دوست نداشته باشند.

امنیت روانی: طرز برخورد مناسب مادر با کودک، نحوه پذیرش او، فرم و صورت پذیرایی و نگهداری از او در امنیت روانی کودک بسیار مؤثر می‌باشد.

امنیت در برابر پدیده‌های طبیعی: مادر باید طفل را در برابر تمام مسائل طبیعی چون زلزله، رعد و برق و غیره حمایت کند، چون کودک در این مواقع فقط به دامن مادر پناه می‌برد.

امنیت در برخوردها و تصادم‌ها: وقتی کسی بخواهد کودک را کتک بزند یا پزشک او را آمپول بزند، او نیازمند است مادر را پشتیبان خود بداند، در غیر این صورت مادر از نظر طفل به فردی ناشایسته و غیرقابل اعتماد تبدیل می‌شود.

امنیت در حال خواب و تنهایی: کودک به مادر خود اعتماد دارد و می‌خواهد او را در تمام لحظات حتی هنگام خواب تنها نگذارد. کودک انتظار دارد وقتی بیدار شد نخست چهره مادرش را ببیند و یا در حال تنهایی و بیماری بداند مادرش کنارش است و او را ترک نمی‌کند. (ر.ک: قائمی امیری، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰-۱۰۶)

۵. حضور مادر در برآوردن نیازهای فرزند و سازندگی او

۱-۵. نقش حضور مادر در برآوردن نیازهای کودک

نیازمندی‌های کودک بسیار است و این نیازمندی‌ها از زمان تولد کودک در زمینه حمایت و مراقبت او می‌باشد. به تدریج که کودک رشد می‌کند، دامنه نیازهای او نیز گسترده می‌شود و همه ابعاد زندگی وی را در برمی‌گیرد و تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهمترین نیازهای کودک عبارتند از: ۱. نیاز به مراقبت؛ ۲. نیاز به نوازش؛ ۴. نیاز به همکاری در بازی؛ ۴. نیاز به نشان دادن خود؛ ۵. نیاز به شنونده خوب. (ر.ک: قائمی امیری، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵-۱۱۱)

نکته‌ای که در برآورده ساختن نیازهای کودک باید به آن توجه داشت این است که توجه و حمایت بیش از اندازه، او را در مقابله با مشکلات بعدی ضعیف می‌سازد. لازم است کودک به تدریج و طی مراحل رشد، خود را از محافظت و توجه واقعی اولیاء خارج کرده و تحت کنترل و مراقبت شخصی خودش در آورد. مادر با جهت دادن کودک به انجام این خواسته، خدمت بزرگی به او انجام می‌دهد و او را از تیره‌روزی و بدبختی نجات می‌دهد. (ر.ک: قائمی امیری، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶-۱۱۲)

۲-۵. سازندگی فرزند در دوران بارداری

با قرار گرفتن نطفه در رحم زن، رابطه وراثتی و سازندگی پدر و مادری قطع می‌شود و این تنها مادر است که کودک را می‌سازد و آن وجود ذره‌بینی را به انسان کامل تبدیل می‌کند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «شقی و بدبخت کسی است که در رحم مادر بدبخت شده و سعادت‌مند کسی است که در رحم مادر سعادت‌مند گشته است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۴).

در دوران بارداری تغذیه خوب با آرامش روانی، طرز تفکر سالم، دعا و نیایش و ارتباط با خالق از مواردی است که موجب سلامتی و شادابی طفل می‌شود و هر چه

مادر، شاداب‌تر و بافکری سالم باشد، فرزندش نیز با نشاط و سالم می‌شود.

۳-۵. سازندگی فرزند در زمان شیرخوارگی

از آنجا که کودک در ایام شیرخوارگی از شیرۀ جسم و جان زن تغذیه می‌کند، بدون تردید شیر در تحول و دگرگونی جسم و روح وی اثرات غیرقابل انکاری برجای می‌گذارد و بسا فطرت و طبیعت کودک را زیر و رو می‌کند.

امام علی (ع) می‌فرمایند: «دقت کنید و بینید چه کسی فرزندان شما را شیر می‌دهد؛ زیرا کودک به شیر پرورش می‌یابد.» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۸۸).

همان‌طور که کم‌خردی و زشتی و زیبایی و با طهارت بودن زن از طریق شیر در کودک اثر می‌گذارد، انحراف فکری و ناپاکی شیر و زن در کودک مؤثر خواهد بود. (رحیمی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۷۰)

به‌طور کلی تمام جنبه‌های وراثتی از طریق شیر در کودک اثر می‌گذارد و طبیعت وی را تغییر داده و او را مانند شیردهنده می‌گرداند. بدین ترتیب نقش سرنوشت‌ساز والدین در ایام شیرخوارگی در تربیت و پرورش کودک نیز روشن می‌گردد. (ارگانی بهبهانی، ۱۳۷۸، ص ۴۴)

۴-۵. سازندگی فرزند در دوران نوجوانی و جوانی

بسیاری از نظام‌های تربیتی معتقدند در دوران سنی نوجوانی و جوانی اولاً لازم است مراقبت‌های شدید از فرزند برداشته شود و والدین کم‌ویش او را آزاد بگذارند تا تجربه کسب کند؛ ثانیاً والدین و مریبان باید خود را همراه فرزندشان سازند تا مسائل حساس را دریابد و بدان عامل گردد. شک نیست که فرزندان در مواردی بسیار خود را برتر از والدین و نسسبت به ایشان صاحب نظر بدانند، اما این امر به مناسبت غرور و بلندپروازی آنان است و با تحمل والدین بیش یا کم تعدیل خواهد شد.

همراهی دختر با مادر و پسر با پدر به تدریج او را در معرض امور و جریانات قرار خواهد داد و هم سبب کارآموزی عملی زندگی خواهد شد و هم موجب می‌گردد به

قدر و قیمت زندگی و ارزش آن پی ببرد و دریابد که واقعاً والدین و مربیان آنها در چه مرحله‌ای از رشد قرار دارند. (ر.ک: قائمی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۷-۲۷۰)

۵-۵. هدایت فرزند از طریق زمینه مذهبی توسط مادر

از زمینه مذهبی نوجوانان و جوانان می‌توان در جهت رشد و تکامل آنان و اجتماع استفاده کرد. چنان که می‌دانیم همه قوانین اخلاقی از عدالت و درستی، مفاهیم نیک و بد، اخلاق و تربیت، عزت و ذلت، راه و رسم خیر و سعادت در مذهب وجود دارد، بنابراین اگر مادر بتواند این زمینه را در فرزندان تقویت کند، در حل تمام مسائل ایشان مؤثر خواهد بود.

با استفاده از زمینه‌های مذهبی در نوجوان و جوان می‌توان با زشتی‌های اخلاقی مبارزه کرد، عادات ناپسند را در او از بین برد و وضع نامطلوب اخلاقی او را به صورت مطلوب در آورد. مذهب معمولاً به کمک فرد می‌آید، به‌ویژه از آن بابت که هر جا نیروی عقل و خرد محدود شد، مذهب می‌تواند راهی مطمئن و آرام نشان دهد. وجود مذهب سبب پیدایش تمایلات عالی در فرد است به‌گونه‌ای که میل به خوبی دارد، علاقه‌مند به فداکاری و ایثار می‌شود و ملکات نیک و ارزشی را در خود پدید خواهد آورد. همچنین در جنبه اجتماعی، فرد به یاری و کمک افراد اجتماع خواهد شتافت و همکاری و تعامل اجتماعی را اصل قرار خواهد داد. بنابراین با تقویت روحیه مذهبی در هدایت و آموزش مذهبی جوان، نه تنها وظیفه‌ای را در راستای ادای حق تربیت انجام داده‌ایم، بلکه خدمتی را به اجتماع خود و جامعه انسانی نیز انجام داده‌ایم و این کاری کوچک نیست. (قائمی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۳-۲۴۲)

۶. حضور مادر در اصلاح فرزند

۶-۱. اصلاح و کنترل فرزند توسط مادر

کارکرد تربیتی خانواده ضامن تعالی جامعه انسانی است و کارکرد پرورشی آن زمینه‌ساز تربیت فرزندان است که برای ساختن جامعه فردا آماده می‌شوند.

تعادل روانی، استحکام شخصیتی، قوت اراده، دیگ‌گرایی، قدرت رویارویی با مشکلات و صبر بر ناملائیات، میل به تلاش و تمایل به سازندگی و ابتکار، ارتباط با خداوند و میل به معبودیت، همگی صفاتی هستند که خانواده و در رأس آن، مادر در شکل‌گیری و تقویت آنها، مهمترین نقش را ایفا می‌کند. در یک کلام می‌توان خانواده سالم را مهمترین بستر رشد فرهنگی و سلامت جسم و روان و مهمترین عامل انتقال ارزش‌ها و پرورش عاطفی و مهمترین عامل کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت هر جامعه دانست. در این میان زن و مادر به‌عنوان عناصری پرورش‌دهنده و فرهنگ‌ساز مهمترین عامل در تحقق این آثار شگرف هستند.

۲-۶. اصلاح فرزند از طریق هم‌بازی شدن با او

بازی شیوه‌ای است که تأثیرات مثبت و گوناگونی را بر روحیه فرزند بر جای می‌گذارد، به‌نحوی که خلاقیت او را شکوفا ساخته و عواطف کودکانه وی را از محبت سیراب می‌سازد. بازی کودکانه مادر با فرزندان، رشد جیمی و فکری کودک را استحکام می‌بخشد و احساسات پاک مادری را به وی منتقل می‌کند. بازی همچنین نشاط، شادابی، خلاقیت و نوآوری و اعتماد به نفس را در کودک ایجاد می‌کند و زمینه را برای ظهور استعدادها و نهفته‌ی وی فراهم می‌آورد. (اسدالله انصار، www.womenrc) در تعالیم اسلامی نیز توصیه‌های زیادی در این زمینه وجود دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر که کودکی دارد، باید در راه تربیت او، خود را تا حد کودکی برساند.» (ابن‌بابویه، ج ۳، ص ۴۷۰۷).

در هنگام بازی، کودک، خود، تجربه می‌کند، می‌آموزد، حقوق دیگران را رعایت می‌کند، مهارت‌ها را فرامی‌گیرد، تلاش می‌کند، دقت به خرج می‌دهد، کنجکاوی می‌نماید، چگونه سخن گفتن را در برخوردها می‌آموزد و نیز با نحوه استفاده از اندام‌های حسی و حرکتی آشنا می‌شود. هم‌بازی شدن با کودک کار ساده‌ای نیست، اما مادران بدون اینکه آموزش‌چندانی دیده باشند با فرزندان‌شان

همبازی می‌شوند و به خوبی می‌توانند کودک را راضی کنند و در عین حال که مواظب سلامت روحی و جسمی فرزندشان هستند، نکات مثبت تربیتی را در حین بازی به او توصیه کنند.

۶-۳. اصلاح فرزند از طریق داستان‌سرایی مادران

قصه‌ها، جان و روان آدمی را تحت‌تأثیر قرا می‌دهند و کودک را با موقعیت شخصیت‌های داستان همانند می‌سازد. از طریق داستان‌ها می‌توان فضایل اخلاقی را در فرد استوار ساخت، احساسات را رنگ کرد و آدمی را نسبت به امری، حساس یا بی‌تفاوت کرد. داستان‌ها نقاط ضعف و قدرت آدمی را به ما نشان می‌دهند و زمینه را برای تمرین و کسب تجارت و جبران ضعف‌ها و تقویت جنبه‌های مورد نظر فراهم می‌سازند.

از نظر اصول تربیتی، هر داستانی را برای کودک نمی‌توان تعریف کرد. داستان‌ها باید شرایط مختلفی را دارا باشند از جمله اینکه بر اساس سن، درک و موقعیت و هدف خاص گفته شوند. داستان‌ها از طریق آگاه کردن فرزند و نشان دادن جنبه‌های مختلف مثبت و منفی کارهای وی، روشن کردن نقاط تاریک زندگی، یاد دادن قواعد انضباطی، قواعد و آثار تلاش جهت‌دار، زیان عقب‌ماندگی‌ها و تن‌پروری‌ها، آداب و راه و روش معینی از زندگی را به وی می‌آموزند. (قائمی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۱-۲۲۰)

۶-۴. اصلاح فرزند از طریق تحسین و تشویق

تشویق می‌تواند محرک، انگیزه‌بخش و نیرودهنده باشد، امید انسان را به زندگی افزایش دهد و توان مقابله با سختی‌ها و کاستی‌ها را نیز در او بالا ببرد. از جمله اثرات تشویق عبارتند از: ۱. پایداری در کار نیک؛ ۲. محرک نیرومند؛ ۳. ایجاد حس اعتماد به نفس و روحیه صبر و استقامت؛ ۴. تأمین رضایت خاطر فرد و کسب عادات پسندیده. خانواده آزادمنش فعال که فرزند خود را به اظهار وجود، آزمودن اشیاء و امور تشویق می‌کند، فردی بار می‌آورد که از مردم عادی کنجکاوتر و در هوش و

استعداد نیز برتر از دیگران است. البته در تشویق کردن باید به دو نکته توجه کنیم: ۱. تشویق، موجب عادت کردن کودک نشود (کودک همیشه در مقابل کار درست منتظر تشویق نباشد)؛ ۲. تشویق کردن به صورت افراطی و زیاده‌روی انجام نشود، بلکه باید متعادل و به اندازه فرزند را تشویق کرد (زارع، ۱۳۸۳، ص ۴۳).

حضور مادر و بالطبع تحسین و تشویق به موقع او، برای نوجوان و جوان انگیزه‌ای برای حرکت ایجاد می‌کند و او را به سوی هدف مورد نظر سوق می‌دهد.

مادر به وسیله حضور خود و توجهش به فرزندان و تحسین آنها افق‌های جدیدی را در برابر چشمان‌شان می‌گشاید و در تکامل ایشان می‌کوشد. نوجوان و جوانی که حقوق و وظایف خود را می‌شناسد و در انجام آن می‌کوشد، وقتی با تحسین مادر روبه‌رو شود، مقابل سیل خروشان فساد بر پای می‌ایستد، به خودش اتکاء و اعتماد می‌کند و در برابر انبوه مشکلات و ناهمواری‌های زندگی سرافراز و مقاوم خواهد بود. در چنین حالتی حس اعتماد به نفس فرزند تقویت می‌شود، بسیاری از کشمکش‌های درونی‌اش تسکین می‌یابد و روابطش با دیگران سر و سامان می‌یابد.

۶-۵. اصلاح فرزند از طریق تنبیه کردن او

بسیاری از اولیاء برای تربیت کودک از تنبیهات غیربدنی استفاده می‌کنند؛ مانند: حبس کردن کودک در محل ترسناک، طعنه، تحقیر، دشنام، سرزنش افراطی و غیره که ضرر این‌گونه تنبیهات کمتر از تنبیهات بدنی نیست. اما پاره‌ای از تنبیهات غیربدنی نه تنها نتایج سوئی به بار نمی‌آورد بلکه مفید نیز خواهد بود؛ مانند قهر کردن، محروم کردن فرزند از تفریح و گردش، منع از بازی و بسیاری تنبیهات این‌گونه که اگر درست و عاقلانه به کار گرفته شوند، برای تعلیم و تربیت کودکان تا اندازه‌ای مفید خواهند بود.

۵-۶-۱. نکاتی مهم درباره تنبیه

پیش از اعمال تنبیه توسط مادر یا پدر باید علت و ریشه تخلف کشف گردد تا با از

میان بردن آن از تکرار تخلف جلوگیری شود؛

تنبيه بايد به عنوان آخرين روش تربیتی مورد استفاده قرار گیرد؛

تنبيه کودک کار بسیار حساسی است و تا آنجا که ممکن است نباید به تنبيه بدنی متوسل شد؛

در همه حال باید کوشید که تنبيه در حضور جمع به ویژه در مقابل دوستان کودک اعمال نشود؛ زیرا موجب افراط در رنجاندن کودک و پیدایش گستاخی در وی می گردد؛

عمل بد کودک باید نکوهش شود، نه اینکه شخصیت او از همه جهات تحقیر گردد؛ تنبيه به صورت مضاعف به گونه ای که هم مثلاً کتک زدن و هم طعنه و نیشخند به کار برده شود، خطاست؛

لازم نیست تنبيهها زبانی باشد، گاهی نگاه علامت دار و یا بی اعتنایی می تواند برای طفل آموزنده باشد؛

در مقام تنبيه، به رخ کشیدن خوبی های همسالان کودک، غالباً نمی تواند نتیجه مفیدی دربر داشته باشد؛ زیرا موجب تحریک حس حسادت کودک به همسالان خود می شود.

نتیجه‌گیری

تربیت، مهم‌ترین شیوهٔ انسان‌سازی است و تنها از طریق آن می‌توان انسان ساخت، و آدمی از حیوانیت به اوج انسانیت می‌رسد و متعالی می‌گردد. نخستین، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل تربیتی، مادر است. او محوری‌ترین فردی است که ساعت‌ها با فرزند در تماس است و فرزند بیشترین ساعات زندگی‌اش را به‌ویژه در دوران کودکی با او سپری می‌کند.

زنان باید به وسعت عظیم زن و مادر بودن خویش و رسالتی که مرد در آن با او شریک نیست و به خود ایشان اختصاص دارد، آشنا و آگاه شوند. زن رکن اصلی و عنصر اساسی خانواده است و اسلام برای نقش زن در خانواده اهمیت فراوان قائل است؛ زیرا پابندی زن به خانواده و تربیت فرزندان در آغوش پر مهر و عطوفت مادر، موجب می‌شود نسل آن جامعه، پایبند و رشید گردند.

حضور مادر یعنی افزون بر حضور جسمی، فیزیکی، روح و اندیشهٔ مادر هم کنار فرزند حضور داشته باشد.

حضور مادر از جنبهٔ عاطفی - امنیتی و برآوردن نیازهای کودک اهمیت ویژه دارد و همچنین باعث سازندگی و اصلاح کودک می‌گردد.

منابع و مأخذ

۱. ارگانی بهبهانی، محمود، ۱۳۷۸، **اهمیت و اثرات شیر مادر**، تهران: مجمع ذخایر اسلامی.
۲. بانکی پور فرد، امیرحسین، ۱۳۸۱، **آئینه زن (مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری)** قم: دفتر نظارت و تحقیقات زنان.
۳. حر عاملی، محمد بن الحسن، بیتا، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشیعه**، ج ۵، بیروت: دارالاحیاء التراث.
۴. رحیمی اصفهانی، غلامحسین، ۱۳۸۰، **وظایف والدین و فرزندان در برابر یکدیگر**، عسکریه، بی نا.
۵. زارع، رامک، ۱۳۸۳، **نقش مادران در تربیت فرزندان**، شیراز: تخت جمشید.
۶. سادات، محمدعلی، ۱۳۷۶، **راهنمای پدران و مادران (شیوه های برخورد با نوجوانان)**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. صدوق، محمد بن علی، بیتا، **من لا یحضره الفقیه**، قم: جامعه مدرسین.
۸. قائمی، علی، ۱۳۷۹، **خانواده و مسائل نوجوان و جوان (۲)**، قم: شفق.
۹. قائمی، علی، ۱۳۷۴، **مجموعه بحث ها در زمینه نقش مادر در تربیت**، قم: مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی.
۱۰. قائمی، علی، ۱۳۷۸، **زمینه تربیت**، قم: امیری.
۱۱. قائمی، علی، ۱۳۸۴، **نقش مادر در تربیت**، قم: شفق.
۱۲. مجلسی، محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، **بحار الانوار**، بیروت: مؤسسه الوفا.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۴۵ ق، **میزان الحکمه**، قم: دارالحدیث.
۱۴. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، **مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل و ابواب الوالد**، بیروت: مؤسسه آل البیت الامیه التراث.

سایت

۱. www.iranwomen.ir
۲. www.iranwomen.org
۳. www.womenrc.com

